



خانواده در تعلیم تربیت

دکتر محمدرضا شرفی
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

مقدمه

یکی از نهادهای مؤثر در تربیت که نقشی بی نظیر در مقایسه با سایر عوامل دارد، خانواده است؛ به لحاظ این که اولین و طولانی ترین ارتباط را میان دو نسل به وجود می آورد و در نیمه راه تربیت است که مدرسه، جامعه و همسالان نیز به وادی تربیت می پیوندند و کانون خانوادگی را در این مسیر همراهی می کنند. این مقاله مترصد ارزیابی اجمالی از وضعیت خانواده در عصر حاضر، کارکردهای اصلی آن در قلمرو تعلیم و تربیت، طرح چالش های موجود و ارائه هشدارهای ضروری به خانواده است.

الف) خانواده در عصر حاضر

با وجود پیشرفت های علمی و فناوری در مقیاس وسیع، چشم انداز فرهنگی و تربیتی برای بخشی از خانواده ها چندان رضایت بخش نیست، زیرا پدیده های زیادی بسر حیات معنوی و اخلاقی خانواده تأثیرات منفی بر جای نهاده است که اجمالاً عبارتند از:

۱- کاهش ارتباط های صمیمانه میان اعضای خانواده یا به اصطلاح «تبدیل خانه ها به خوابگاهها».

- ۲- تزلزل در مبانی ارزشی نسل نوجوان و جوان
- ۳- پدیده تقابل نسل ها و در نهایت «تضاد نسل ها»
- ۴- فقدان هویت که دربرگیرنده ویژگی هایی نظیر احساس سرگردانی، بی کسی و تنهایی است.
- ۵- غلبه تربیت رسانه ای، به گونه ای که خانواده و مدرسه را بعضاً تحت تأثیر خود قرار داده است.
- ۶- شکل گرفتن کانون های ارتباطی در خارج از محیط خانواده، به لحاظ عدم جذابیت آن.
- ۷- ناتوانی برخی خانواده ها در پاسخ به پرسش های بنیادین نوجوانان و جوانان و در نتیجه احساس سرخوردگی و ناتوانی آنان از درک زندگی به عنوان یک کلیت بامعنا در نظام هستی.

این ها و مواردی از این قبیل چالش های مهمی اند که قادرند تصویری نامطلوب از وضعیت خانواده در عصر حاضر به نمایش گذاشته، صاحب نظران را به اتخاذ تدابیری در این زمینه برانگیزند.

ب) کارکردهای اصلی خانواده در حوزه تعلیم و تربیت

خانواده به منزله اولین نهاد تربیتی، دارای قابلیت ها و کارکردهای فراوان در عرصه تعلیم و تربیت است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

- ۱- ايفسای نقش تکمیلی در حیطه آموزش رسمی مدرسه (تقویت و توسعه آموزش های مدرسه ای در خانواده).
- ۲- ایجاد هماهنگی و همگرایی در خصوص فعالیت های تربیتی (پرورشی) با برنامه های مکمل و فوق برنامه مدرسه.
- ۳- تبیین ارزش های اخلاقی برای فرزندان و ایجاد انگیزش در آنان برای دلچسپی و پایبندی به آن ها.
- ۴- تلاش برای هماهنگی و همگرایی میان ارزش های اخلاقی خانه و مدرسه، به منظور تقویت و تعمیق وجدان اخلاقی فرزندان.
- ۵- تبیین و ترغیب الگوگرایی در فرزندان، به منظور همانند سازی مطلوب.
- ۶- اعتماد سازی در فرزندان به منظور تحقق الگوپذیری فرزندان از والدین.
- ۷- به لحاظ این که فرزندان زندگی آینده را از دریچه رفتار والدین ارزیابی می کنند، تلاش والدین برای این منظور که زندگی آرام، با ثبات و موفق داشته باشند.
- ۸- برانگیزاندن و تشویق فرزندان برای کسب مهارت های

- زندگی، با هدف احساس تسلط بر روند زندگی.
- ۹- ترغیب، بشارت و تشویق فرزندان برای کسب موفقیت در عرصه‌های علم و فضیلت.
- ۱۰- انتقال دانش زندگی و تجربیات اجتماعی به فرزندان، برای غلبه آنان بر دشواری‌های زندگی آینده.
- ۱۱- تعامل فکری مؤثر و کارآمد با فرزندان، برای رشد تفکر و اندیشه‌ورزی در آنان.
- ۱۲- انتقال میراث فکری و فرهنگی نسل‌های پیشین به فرزندان، به‌منظور تداوم ارتباط نسل‌ها و در نهایت پیوند نسل‌ها.

ج) چالش‌های جدی و اساسی در تلمرو خانواده

- از مهم‌ترین دغدغه‌های تربیتی و اخلاقی که در حال حاضر خانواده‌ها با آن مواجه‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- ۱- کاهش حضور فیزیکی (از حیث کمی) والدین در خانواده.
- ۲- اشتغال بیش از حد توان والدین در خارج از خانه و در نهایت کاهش ارتباط با فرزندان.
- ۳- خستگی‌های مفرط ناشی از اشتغال والدین و در نتیجه تأثیر منفی آن بر روند رابطه با فرزندان.
- ۴- رشد تقاضای فرزندان از والدین و ناتوانی پدر و مادر در تأمین این قبیل خواسته‌ها و سرخوردگی ناشی از آن برای فرزندان و شرمندگی طبیعی برای والدین، به صورت مکرر.
- ۵- کاهش حضور مؤثر روانی والدین در کنار فرزندان (از حیث کیفی) و در نهایت از بین رفتن فصل مشترک‌های روحی و عاطفی میان آنان.
- ۶- کم‌رنگ شدن فضای انس، الفت و صمیمیت میان والدین و فرزندان، به لحاظ عوامل مذکور.
- ۷- کاهش ارتباط کلامی والدین و فرزندان (از انواع ارتباطات انسانی) و در نتیجه رشد احساس بیگانگی و دوری عاطفی.
- ۸- گله‌مندی و شکوه والدین و فرزندان از ناتوانی در درک و فهم یکدیگر.
- ۹- ناآگاهی والدین از دردها و دغدغه‌های نسل یویا، به لحاظ کاهش حضور در منزل.
- ۱۰- عدم حمایت والدین در لحظات تنهایی و دل‌تنگی فرزندان به لحاظ عوامل مذکور.
- ۱۱- فقدان عوامل تشویقی برای فرزندان در مواقع ضروری، به سبب غیبت طولانی والدین از منزل.

- ۱۲- عدم همراهی والدین با فرزندان در لحظات شاد و دلپذیر آنان.
- ۱۳- فقدان الگو و الگوپذیری فرزندان از والدین، به سبب احساس غربت و بیگانگی با والدین.
- ۱۴- تردید برخی فرزندان در مورد تشکیل خانواده در آینده، به دلیل احساس ناکامی والدین در زندگی مشترک.

د) برخی پیش‌نیادهای راه‌کارها

- اینک با عنایت به مشکلات و چالش‌های مذکور، برخی راه‌کارها برای تنش‌زدایی از خانواده و نیل به سطح تعادل و آرامش خانواده، ذیلاً ارائه می‌شود:
- ۱- برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از حضور محدود ولی مفید و مؤثر، نظیر اقدام به برقراری ارتباط اولیه با فرزندان توسط والدین و ابتکار عمل را به دست گرفتن.
- ۲- تشکیل حلقه‌انس و الفت میان والدین و فرزندان در فرصت تعطیلی.
- ۳- استفاده از موج مثبت (P.L.N)، نظیر هر روز یک پیام سازنده و مثبت به کاربردن و سطح انگیزه‌های فرزندان را ارتقا بخشیدن.
- ۴- تشکیل جلسات شورای خانواده و تعامل فکری با فرزندان داشتن، به صورت منظم.
- ۵- برنامه‌ریزی برای استفاده از اوقات فراغت مشترک در حد مقدمات.
- ۶- استفاده از نامه‌ها و یادداشتهای کوتاه ولی مؤثر و مثبت برای فرزندان، به‌منظور تداوم ارتباط روحی و عاطفی.
- ۷- هر روز در اندیشه‌طرحی نو برای خوشحال کردن خانواده و فرزندان بودن.
- ۸- تلاش برای شناخت هر چه بیش‌تر آرزوها، آرمان‌ها و علائق فرزندان و در نتیجه راهی برای نفوذ در آنان یافتن.
- ۹- روزهای خوب و خاطره انگیز فرزندان و همسر را به یاد سپردن و اهتمام برای برنامه‌ریزی در این مورد، به صورت یادآوری، قدردانی و سپاس‌گزاری.
- ۱۰- تبیین و توضیح موقعیت و مشکلات کاری و شغلی برای اعضای خانواده و جلب مشارکت و حس همکاری آنان.
- ۱۱- در تمامی سطوح سنی، به‌تکریم شخصیت و منزلت فرزندان اهتمام داشتن.
- ۱۲- سوق دادن فرزندان برای ارتباط بهتر با خدا، برای نیل به آرامش بیش‌تر.